

یادگیری در کودکان

Children's Learning

یادگیری یکی از مباحث عمده و مورد علاقه روان‌شناسان است که از دیرباز مورد توجه بوده است. در این بخش به یادگیری اجتماعی انتخابی به عنوان محور اصلی بحث پرداخته شده است، با این هدف که پژوهش‌ها، به وسعت دید در بررسی‌های روان‌شناختی از این دست بیفزایند.

Koenig, M. A., & Sabbagh, M. A. (2013). Selective social learning: New perspectives on learning from others. *Developmental Psychology, 49* (3), 399-403.

یادگیری اجتماعی انتخابی: دیدگاه‌های نو در باب یادگیری از دیگران

به دلیل توجه گسترده به شکل‌گیری یادگیری اجتماعی انتخابی، موضوع یادگیری از دیگران نیز پژوهش‌های بسیاری را به خود اختصاص داده است. انسان برای کسب اطلاعات به شدت به دیگران وابسته است، لذا تمرکز این مقاله بر بررسی فرایندهایی است که کودکان به صورت انتخابی و هوشمندانه از دیگران یاد می‌گیرند. در این مقاله پاره‌ای از آخرین و دقیق‌ترین بررسی‌های انجام شده در این زمینه و مسیرهای جدید تحقیق و شیوه‌های جدید نگرش در باب چگونگی یادگیری کودکان از دیگران، معرفی شده‌اند. همچنین، با هدف پایه‌گذاری پژوهش‌های بنیادی، این نگرش جدید برای گروه زیادی از پژوهشگران، مربیان و متخصصان بالینی برجسته شده است. پژوهش در مورد مسائل مرتبط با تسهیل یادگیری اجتماعی، به وضوح با اولین زمینه‌های آموزشی ارتباط می‌یابد. افزون بر این با کنار هم گذاردن طیف وسیع پژوهش‌های انجام‌شده در باب این موضوع، دانشمندان تحولی‌نگر می‌توانند به ثبات مضامینی که ماحصل تلاش جمعی آنهاست، پی برند. پژوهش حاضر، طیف انتخاب کودکان را در گستره سن و حوزه‌های تحول مشخص می‌سازد و روش‌های رو به افزایش تحقیق در باب انتخابی بودن یادگیری را برجسته می‌سازد. این پژوهش جدید افزون بر بازنگری شیوه‌های متنوع و هدایت‌گر یادگیری از سوی یادگیری اجتماعی، بر استلزام ارائه نظریه‌های تبیینی جدید تحولی نیز تأکید دارد.

Mills, C. M. (2013). Knowing when to doubt: Developing a critical stance when learning from others. *Developmental Psychology, 49* (3), 404-418.

به هنگام بودن زمان تردید: تحول موضع‌گیری انتقادی هنگام یادگیری از دیگران

کودکان ممکن است نسبت به صحت اطلاعات دریافت‌شده، سوگیری داشته باشند، اما این واقعیت که کودکان در معرض دریافت اطلاعات غلط از منابع مختلف هستند، تشخیص زمان تردید را از سوی آنها، امری ضروری می‌سازد. این مقاله ضمن تمرکز بر تغییرات تحولی و ثبات آنها در کودکان به بررسی موضع‌گیری انتقادی آنها در قبال اطلاعات دریافت‌شده اختصاص یافته است. پژوهش‌های پیشین شامل بررسی توانایی کودکان در تشخیص بی‌اطلاعی، بی‌دقتی، عدم صلاحیت، گمراه‌سازی و تحریف می‌شود. اما تأکید خاص در این پژوهش بر چگونگی استدلال کودکان در باب زمان یقین و تردید است. در ادامه نیز مقاله چهارچوبی برای ارزیابی تحقیقات قبلی و پیشبرد پژوهش‌های بعدی ارائه داده است. در بحث پایانی، پرسش‌های فراگیری که برای ارائه الگوی تبیینی و مبتنی بر تفاوت‌های تحولی، فردی و موقعیتی کودکان می‌بایست مدنظر قرار گیرند، ارائه شده‌اند.

Shutts, K., Kinzler, K. D., & DeJesus, J. M. (2013). Understanding infants' and children's social learning about foods: Previous research and new prospects. *Developmental Psychology*, 49 (3), 419-425.

درک یادگیری اجتماعی نوزادان و کودکان درباره غذا: پژوهش‌های پیشین و دیدگاه‌های جدید

روان‌شناسان تحولی، توجه خاصی به اثربخشی اعمال، هیجان‌ها و بیانات دیگران در یادگیری کودکان، مبذول داشته‌اند. اما پژوهش‌ها عمدتاً یادگیری اجتماعی مصنوعات را بررسی می‌کنند. مقاله حاضر در مقوله غذا انجام شده است که توجه کمتری در قلمرو پژوهش‌های مرتبط با شناخت اجتماعی به آن شده است. در ابتدا، به مرور پیشینه پژوهشی تحول شناخت نوزادان و کودکان از مقوله غذا پرداخته شده است و موقعیت‌های شکست و موفقیت تعامل کودکان با غذا مشخص شده‌اند و ضمن تأکید خاص بر نقشی که دیگران در هدایت آنچه کودکان می‌خورند، ایفا می‌کنند، ضرورت شناسایی غذا خوردن به عنوان پدیده‌ای اجتماعی برای درک الگوهای شکست و موفقیت تعامل با غذا، مورد بحث قرار گرفته است. سپس پرسش‌هایی برای پژوهش‌های بعدی مطرح شده است. همچنین پیشنهاد شده است که بررسی «انتخاب غذا» به منزله یک پدیده اجتماعی می‌تواند روشن‌گر مکانیزم‌هایی باشد که متضمن یادگیری کودکان از دیگران‌اند و رهنمودهایی برای پیشبرد روابط اجتماعی و رفتارهای تغذیه‌ای سالم اولیه بنیاد نهند.

Doebel, S., & Koenig, M. A. (2013). Children's use of moral behavior in selective trust: Discrimination versus learning. *Developmental Psychology*, 49 (3), 462-469.

کاربرد رفتار اخلاقی در اعتماد انتخابی کودکان: تشخیص افتراقی در مقابل یادگیری

آیا بار اخلاقی، در میزان حساسیت کودکان نسبت به انتخاب اطلاعات اخلاقی مؤثر در یادگیری انتخابی، نقش دارد؟ برای یافتن پاسخ این سؤال، در آزمایش حاضر، کودکان سه تا پنج ساله را با افرادی که رفتاری موافق و ناموافق با هنجارهای اخلاقی-اجتماعی مانند کمک به یک همسال برای پیدا کردن اسباب‌بازی گم‌شده‌اش یا پاره کردن عمدی نقاشی یک همسال نشان می‌دادند، مواجه ساختیم. افراد «خوب» در مقابل افراد «بد» را در شرایط مقایسه‌ای با افرادی قرار دادیم که رفتارشان خنثی قلمداد می‌شد. با هدف مشخص ساختن نقش اطلاعات اخلاقی در هدایت اعتماد انتخابی کودکان، به اندازه‌گیری توانایی کودکان در شناسایی افراد با رفتار خوب و بد و میزان تمایل آنها به یادگیری از این افراد پرداخته شد. یافته‌ها نشان دادند که تمایل کودکان به تمایز رفتار منفی از خنثی معنادارتر از تمایز رفتار مثبت از خنثی است. در مقابل، کودکان در میزان استفاده از اطلاعات خوب و بد در یادگیری انتخابی تفاوتی نشان ندادند و هر دو نوع اطلاعات در هدایت اعتماد کودکان در قلمرو شناخت مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین یافته‌ها در چهارچوب نامتقارنی مثبت-منفی و اشکال گوناگون سوگیری منفی، مورد بحث قرار گرفتند.

ترجمه زهره صیادپور

دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران جنوب